



کارکرد جمله‌های ساده و مرکب در مثنوی معنوی

عصمت خویی قزلیجه (نویسنده مسئول)^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

زهره امانی^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱۰

چکیده

بخش بزرگی از دل‌نشینی کلام مولوی به شیوه‌ی بیان و نحو کلام او مربوط می‌شود. مولوی پژوهیان اغلب از گیرایی کلام مولوی سخن‌ها گفته‌اند؛ اما بسیاری از رمزهای دل‌انگیز این زبان پوشیده مانده است؛ برای کشف این زیبایی‌ها هیچ راهی جز تحلیل جزئی‌نگرانه‌ی زبان وی وجود ندارد. لذا نگارندگان بران شدند تا با بررسی بسامد و کارکرد نحوی و جملات ساده و مرکب در مثنوی یکی از عوامل انسجام متن را واکاوی کنند. این تحقیق بر اساس ۱۳۷۲ بیت آغاز دفتر اول مثنوی انجام پذیرفته و شیوه‌ی کار مبتنی بر روش آماری و تجزیه و تحلیل ساختاری و طبقه‌بندی جملات است. از این بررسی نتایج قابل توجهی درباره‌ی ارتباط تنگاتنگ محتوای متن با ساختمان جمله‌های آن به دست می‌آید؛ طبق بررسی‌های به‌عمل آمده بسامد کاربرد جمله‌های مرکب نسبت به جمله‌های ساده بیشتر است و از میان انواع جمله‌های مرکب، جمله‌هایی که از الگوی «پایه + پیرو» ساخته شده‌اند بسامد بیشتری دارند؛ این طرز جمله‌بندی مثنوی سبب انسجام متن شده است و بستر مناسبی برای محتوای آموزشی مثنوی فراهم آورده است، به‌علاوه با این بررسی درمی‌یافتیم که مولوی در دریافت معنای جمله‌های مرکب مخاطب خود را فعالانه شرکت می‌دهد به‌طوری‌که گاه حرف ربط را از ساختمان جمله حذف کرده و به خواننده اجازه داده است که بر اساس گزینش هر یک از دو جمله به‌عنوان پایه

۱ . e.khoeini@yahoo.com.

۲ . amani.zohreh92@gmail.com.

یا پیرو، حرف ربط مناسب را خود برگزیند، یا در جمله‌های مرکب پیچیده، بک جمله هم‌زمان دو نقش پایه و پیرو را دارد، به این معنی که نسبت به جمله پیش و پس از خود، نقش آن متفاوت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مولوی، مثنوی، جمله، جمله‌ی مرکب، پایه، پیرو

۱. مقدمه:

جمله و ساختار آن یکی از جذاب‌ترین موضوع‌های نحو در دستور زبان است زیرا ارتباط انسان‌ها برای رد و بدل کردن پیام در قالب جمله صورت می‌گیرد. جمله بزرگ‌ترین واحد نحوی زبان است که با کمک واژگان نمایشگر اندیشه‌ها، خواست‌ها، عواطف و احساسات است ساختمان نحوی جمله در شکل‌گیری سبک نقش مهمی بر عهده دارد. میانگین واژه در جمله، کوتاهی و بلندی جمله‌ها، روابط جمله‌ها با هم سادگی و پیچیدگی، هم‌پایگی وابستگی آن‌ها، تنوع‌های سبکی را به وجود می‌آورد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۵) جمله از لحاظ بیان، معنا، ساختار و... به انواعی طبقه‌بندی شده است. یکی از تقسیم‌بندی‌های جمله مربوط به ساختار آن است، بر این اساس جمله به دودسته‌ی جمله‌ی مستقل و غیرمستقل تقسیم می‌شود و جمله‌ی مستقل واحدی از زبان است که بخشی از یک واحد بزرگ‌تر نباشد جمله‌ی مستقل به دو نوع جمله‌ی ساده و جمله‌ی مرکب طبقه‌بندی می‌شود. (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۱۱)

جمله‌ی ساده آن است که از یک فعل ساخته شده است و معنای آن کامل باشد و بتوان بعد از آن درنگ کرد و جمله‌ی مرکب، جمله‌ای است که معنای آن با یک فعل کامل نمی‌شود و برای رساندن پیام و داشتن معنای کامل نیاز به جمله‌ای دیگر، جمله‌ی پیرو یا وابسته، دارد. فرشید ورد هم درباره‌ی جمله‌ی مرکب این‌گونه گفته است: «جمله‌ی مرکب یا جمله‌ی بزرگ آن است که داخل آن جمله‌واره باشد و بیش از یک مسند یا فعل داشته باشد و در آن حرف ربط و گروه‌های ربطی و عناصر و ادوات دیگری به کار رفته باشد.» (فرشید ورد، ۱۳۸۴: ۱۱۹)

عناصر ربط یکی از عوامل انسجام متن به شمار می‌روند و جملات مرکب در انسجام یک متن نقش اساسی دارند. بررسی جملات متون ادبی از جمله مثنوی کمک شایانی به شناخت سبک و عوامل انسجام کلام آن خواهد کرد.

مثنوی در بردارنده‌ی ۲۶۰۰۰ بیت در شش دفتر است که شامل ۴۲۴ داستان پی‌درپی به شیوه‌ی تمثیل است. این اثر یکی از برترین کتاب‌های ادبیات عرفانی حکمی فارسی و حکمت‌پارسی پس از اسلام است. مثنوی

از جهت فهم مخاطب به سه بخش: عام، خاص و اخص تقسیم می‌شود؛ همین امر موجب شده است تا جملات به کاررفته در آن به گونه‌ای باشد که برای هر سه گروه مخاطب دل‌نشین و اثرگذار باشد. این اثر در بحر رمل مسدس محذوف سروده شده است و دارای ظرفیت وزنی بالایی برای ایراد معانی بلند نیست اما مولوی با مهارت کامل در چینش واژگان و ساختار نحوی جملات، چیرگی شگفت‌انگیز خود را بر کلام به نمایش می‌گذارد. این تحقیق بر اساس دفتر اول مثنوی انجام گرفته است و به دلیل حجم بالای ابیات فقط ۱۳۷۲ از ابتدای دفتر اول بررسی شده است.

۱-۱. بیان مسئله:

با توجه به اینکه ساختمان نحوی جمله در شکل‌گیری سبک یک اثر، نقش مهمی بر عهده دارد؛ بنابراین ساختمان جمله می‌تواند به وجود آورنده‌ی تنوع سبکی باشد. مثنوی کتابی تعلیمی است، ساختار جملات و بلندی و کوتاهی آن‌ها، بر اساس نوع آموزش و مخاطبان آن تغییر می‌کند. بررسی هر یک از موارد یادشده شیوه‌ی کار مولوی و تناسب ساخت هر جمله را با موضوع سخن وی آشکار می‌سازد؛ زیرا «بررسی میانگین واژه‌ها در جمله، ارزش سبک‌شناسی خاص دارد. فراوانی جمله‌های کوتاه و منقطع در سخن، باعث شتاب سبک، سرعت اندیشه و هیجان‌انگیزی می‌شود و برعکس فراوانی جمله‌های بلند، سبکی آرام را رقم می‌زند و جمله‌های مرکب تودرتوی پیچیده، حرکت سبک را کند می‌کند. سبک‌های مقطع و پرشتاب عاطفی تر و سبک‌های مرکب، برهانی و منطقی‌ترند.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۵)

مولوی در مثنوی خود به اقتضای موضوعی که بیان می‌کند از انواع جمله بهره می‌گیرد، گاه از جمله‌های کوتاه برای بیان هیجان‌ناک روحی و شتاب دادن به کلام و گاه از جمله‌های بلند و مرکب و پیچیده برای بیان مطالب عرفانی و تعلیمی استفاده می‌کند. در این مقاله تلاش شده است، جملات از نظر ساختمان و اجزای سازنده‌ی آن‌ها مورد بررسی قرار بگیرد تا کارکرد هر یک در ساختار متن و محتوای آن نشان داده شود و تأثیر این جمله‌ها بر انسجام متن آشکار گردد.

ضرورت تحقیق:

درباره‌ی مثنوی مطالب بسیاری نوشته شده است و سبک این اثر سترگ از زوایای گوناگون مورد بررسی واقع شده است، اما جملات آن از حیث کاربردهای نحوی تاکنون مورد تحقیق قرار نگرفته است، با توجه به اینکه

شناخت سبک یک اثر بدون توجه به کارکرد اقسام جمله در متن آن ناقص به نظر می‌رسد، نویسندگان این مقاله بران شدند که ساختار جمله‌های مثنوی را از این حیث مورد بررسی قرار دهند.

۱-۲. پیشینه‌ی تحقیق:

پیش‌ازاین مقالاتی در موضوعاتی نظیر این نوشته به چاپ رسیده است؛ همانند:

۱- الگوی شناور در ساخت جمله‌های مرکب با توجه به کاربرد زمان افعال. از محمود مهرآوران؛ در این مقاله، الگوی ساختاری جمله‌های مرکب با توجه به کاربرد افعال معرفی گردیده است که ۱۹۳ الگو برای ساخت جمله‌های مرکب را استخراج و معرفی کرده است و به سبب فراوانی و تنوع الگوی ساخت و کاربرد زمان افعال این جمله‌ها، آن را شناور نامیده است.

۲- کارکرد حرف ربط تأویلی در جمله‌های مرکب دیوان حافظ. از خدابخش اسداللهی؛ در این مقاله این چنین آمده است که حرف ربط تبدیلی نقش به‌سزایی در وابسته‌سازی جمله‌های پیرو به پایه، یا وابسته‌سازی جمله‌واره‌های پیرو به جمله‌واره‌های پیرو دیگر را ایفا می‌کند.

۳- کارکرد جمله‌های مرکب در بوستان سعدی. از اکبر صیادکوه، حسن دست موزه؛ در این مقاله نوشته شده است که در جمله‌های مرکب به‌جای نقش‌های دستوری مفرد، جمله‌ی پیرو به کار می‌رود و جمله‌های پیرو از لحاظ معنا و مفردات غنی‌ترند زیرا وجود فعل در آن‌ها موجب انتقال مفهوم، وجه، زمان و شخص به مخاطب می‌شود.

۴- جمله‌های شرطی در زبان فارسی «اگر در گلستان سعدی». از وحیدیان کامیار؛ نویسنده در این مقاله، با توجه به اهمیت رابطه‌ی معنایی در جمله‌های مرکب، به‌ویژه جمله‌های شرطی، با تکیه بر روش وصفی-تحلیلی، ساخت معنایی این جملات و عوامل مؤثر در افاده‌ی معنی شرط را تحلیل کرده است و در جملات شرطی رابطه‌ی تلازمی را اساس ارتباط معنایی دو جمله‌واره‌ی پایه و پیرو می‌داند.

۵- بررسی جمله‌های مرکب سوگند از محمدتقی آذر مینا؛ در این مقاله نویسنده، چهار الگوی را به همراه شواهد شعری معرفی کرده است و هم‌نشینی جمله‌ی مرکب سوگند با شبه جمله‌ی ندایی و جمله‌ی مرکب نقل قول مورد بررسی قرار داده است.

۶- رابطه‌ی معنایی جمله‌واره‌ی پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی. از سید محمدرضا ابن الرسول، سمیه کاظمی نجف‌آبادی، مهری کاظمی؛ این مقاله بر پایه و اساس مقاله‌ی وحیدیان کامیار، درباره‌ی جمله‌های شرطی در زبان فارسی «اگر در گلستان سعدی»، نوشته شده است.

۷- پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، بررسی ساختمان فعل و جمله در دیوان حافظ. از صغری اصغری؛ این پایان‌نامه از دو فصل تشکیل شده است که فصل اول آن به بررسی ساختمان ظاهری و زمان افعال پرداخته

است و فصل دوم آن در مورد جمله است که جمله را در دو بخش ساده و مرکب بررسی کرده است. همچنین در مورد جمله‌های مرکب نوشته است که این جملات از جمله‌های دو فراکردی شروع و با جمله‌های شش فراکردی خاتمه می‌یابد.

چنانکه ملاحظه می‌شود، بررسی‌های انجام‌شده بیشتر درباره‌ی آثار سعدی و حافظ است و اشعار مولوی از لحاظ ساخت جمله کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در صورتی که مولوی در مثنوی خود از جملات مرکب با بسامد بالایی استفاده کرده است.

۱- جمله:

جمله مجموعه‌ای از کلمات نظام‌یافته است که با قرار گرفتن در کنار یکدیگر مفهوم واحدی را القا می‌کنند. همان‌گونه که ذکر شد از نظر ساخت جمله‌ی مستقل به دودسته‌ی ساده و مرکب تقسیم می‌شود، جمله‌ی ساده جمله‌ای است که در آن تنها یک فعل به کاررفته باشد و جمله‌ی مرکب جمله‌ای است که در آن بیش از یک فعل به کاررفته باشد و جمله‌ی وابسته یا پیرو، مکمل جمله‌ی هسته یا پایه است.

خانلری در کتاب دستور خود با دید دقیق‌تری به جمله‌ی مرکب پرداخته است. از نظر وی، «بسیاری از جمله‌ها هستند که معنی آن‌ها با یک فعل تمام نمی‌شود و برای آن‌که معنی کاملی به ذهن القا کنند به چند فعل محتاج‌اند. این‌گونه جمله‌ها که از چند قسمت تشکیل شده‌اند، جمله‌ی مرکب خوانده می‌شوند.» (خانلری، ۱۳۸۲: ۲۴۳)

این دسته از جمله‌ها با توجه به صورتشان برای ساخت آن‌ها بیش از یک فعل به کاررفته است. در سنت مطالعه‌ی نحو زبان فارسی، این نوع جمله‌ها را به دودسته‌ی جمله‌های مرکب هم‌پایه که برای ساخت آن‌ها از حروف ربط هم‌پایه‌ساز استفاده می‌شود و جمله‌های مرکب نا هم‌پایه که رابط این جمله‌ها حروف ربط وابسته‌ساز است، تقسیم می‌کنند.

الف- جملات هم‌پایه: این جملات از لحاظ وابستگی، به یکدیگر وابسته نیستند، اما به جهت همانندی نحوی با یکدیگر هم‌پایه هستند. «در یک ساخت هم‌پایه لااقل دو ساختار همانند با یکدیگر هم‌پایه می‌شوند و اصطلاحاً هر یک از آن‌ها را عنصر هم‌پایه می‌نامند. به عبارت دیگر جنس نحوی دو عنصر هم‌پایه یکی است.» (گلفام، ۱۳۸۶: ۴۰) در این جمله‌ها هر جمله دارای معنای کامل است و رابط بین جملات هم حروف ربط هم‌پایه‌ساز هستند؛ مانند:

سَر من از ناله‌ی من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست : ۷

جمله معشوق است و عاشق پرده‌ای زنده معشوق است و عاشق مرده‌ای: ۳۰

ب- جملات وابسته: این جمله‌ها برای داشتن معنای کامل حداقل به دو فعل نیاز دارند و جملات مکمل یکدیگر هستند. این جمله‌ها به وسیله‌ی حروف ربط وابسته‌ساز به یکدیگر وصل می‌شوند و یکی از جمله‌ها هسته یا پایه است که «غالباً غرض اصلی گوینده یا نویسنده را در بر دارد و قابل تأویل به غیر جمله نیست.» (انوری، ۱۳۹۲: ۳۲۵) و جمله یا جملات دیگر وابسته یا پیرو هستند که «همراه جمله پایه می‌آید و وابسته به جمله‌ی پایه است یعنی مفهومی از قبیل زمان، شرط، علت و جز آن را به مفهوم جمله‌ی پایه می‌افزاید و قابل تأویل به مصدر یا صفت است.» (انوری، ۱۳۹۲: ۳۲۵) جمله‌ی پیرو خود معنای کامل ندارد؛ مانند:

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای چند گنجد؟ قسمت یک روزه‌ای: ۲۰

مرغ جانش در قفس چون می‌طپید داد مال و آن کنیزک را خرید: ۳۹

۲- چگونگی کاربرد جمله در مثنوی

از بررسی کاربرد جمله‌های ساده و مرکب در ۱۳۷۲ بیت از دفتر اول مثنوی چنین دانسته می‌شود که در مثنوی از جملات مرکب بیش از جمله‌های ساده استفاده می‌شود؛ این امر با محتوای مثنوی که آموزش عرفان و درس سلوک الی الله است، تناسب و ویژه‌ای دارد؛ مولانا از طریق ترجیح جمله‌های مرکب از شتابزدگی در کار تعلیم پرهیز می‌کند و زمان تفکر و درنگ بیشتری را برای مخاطب خود پدید می‌آورد تا درباره‌ی آنچه وی می‌گوید، اندیشه کند و به باور برسد. به علاوه جمله‌های مرکب به شیوه‌ها و گونه‌های مختلفی که مولانا از آن بهره برده است، کشش و انسجام و پیوستگی متن مورد تعلیم را افزایش می‌دهد.

گذشته از جمله‌های مرکب، جمله‌های ساده‌ی به‌کاررفته در مثنوی، اغلب جملاتی طولانی هستند، زیرا چنان‌که با آمار نشان داده خواهد شد، نسبت ابیات دارای یک یا دو جمله بسیار بیشتر از ابیاتی است که تعداد جملات آن دو، سه یا بیشتر است به همین جهت جمله‌های ساده‌ی مثنوی نیز طولانی و دارای اجزاء سازنده متعددی است.

بدین جهت لازم می‌نمود که کاربرد ویژه‌ی جمله‌های ساده و مرکب و عناصر سازنده‌ی آن‌ها به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا نحوه‌ی خاص به‌کارگیری این نوع جملات و تناسب آن‌ها با موضوع مثنوی مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

۱-۲- جمله‌ی ساده

در بررسی جامعه‌ی آماری (۱۳۷۲ بیت) حدود ۵۱۶ بیت، فقط از جمله یا جمله‌های ساده تشکیل شده است که از این میان ابیاتی که در بردارنده‌ی دو جمله‌اند نسبت به ابیات یک‌جمله‌ای از بسامد بالاتری برخوردارند و پس از آن ابیات سه‌جمله‌ای و سپس ابیات چهارجمله‌ای قرار می‌گیرد در این بررسی تنها یک بیت شش‌جمله‌ای مشاهده گردید.

۱-۲-۱-۱- ابیات یک‌جمله‌ای

حدود ۱۰۹ بیت از ابیات بررسی‌شده از یک جمله تشکیل شده است که گاه طولانی بودن جمله به سبب توصیف و یا توضیح بیشتر بوده است؛ مانند:

- بعده سه روز و سه شب حیران و زار بر دکان بنشسته بُد نومیدوار :
۲۵۷
- شاه احوال کرد در راه خدا آن دو دمساز خدایی را جدا :
۳۲۶
- هر فریقی هر امیری را تَبَع پنده گشته میر خود را از طمع :
۴۵۹

و یا در آن‌ها تشبیه بوده است که همین امر موجب طولانی شدن جمله شده است؛ مانند:

- جامه‌ی صد رنگ از آن خُم صفا ساده و یکرنگ گشتی چون صبا : ۵۰۱
- جان بی‌معنی در این تن، بی‌خلاف جان بی‌معنی در این تن، بی‌خلاف : ۷۱۲
- و یا نقش نحوی «بدل» به جهت توضیح برای درک و دریافت بیشتر موجب طولانی شدن جمله گردیده است؛ مانند:

- در بیان این سه کم جنبان لب از ذهاب و از ذهب وز مذهب : ۱۰۴۷
- آدمی را زین هنر بیچاره گشت خلق دریاها و خلق کوه و دشت : ۱۰۳۱
- و یا به دلیل تعدد فاعل جمله به درازا کشیده شده است؛ مانند:
- روبه و آهو خرگوش و شغال جبر را بگذاشتند و قیل و قال :

۹۹۳

۱-۲-۱-۲- ابیات بیش از یک جمله‌ی ساده

بیت‌هایی که برای ساخت آن بیش از یک جمله‌ی ساده به‌کاررفته است، این ابیات حدود ۳۹۰ بیت در ابیات مورد بررسی است.

که از این تعداد، ۳۲۷ بیت به صورت دو جمله‌ی ساده در یک بیت آمده است یعنی هر مصراع از یک جمله‌ی ساده تشکیل شده است؛ مانند:

آب خوش را، صورتِ آتش مده اندر آتش صورتِ آبی منه : ۱۱۹۸
انبیا در کار دنیا جبری‌اند کافران در کار عقیبی جبری‌اند : ۶۳۷

و تعداد ۴۷ بیت از سه جمله‌ی ساده تشکیل شده است؛ مانند:

نسل ایشان نیز هم بسیار شد نور احمد ناصر آمد، یار شد :
۷۳۳
نی حدیث راه پر خون می‌کند قصّه‌های عشق مجنون می‌کند :
۴۳۲

حدود ۱۵ بیت هم از چهار جمله‌ی ساده تشکیل شده است؛ مانند:

کیمیا سازست، چه بود کیمیا؟ معجزه بخش است، چه بود سیمیا؟ : ۷۳۳
الوداع ای دوستان من مرده‌ام رخت بر چارم فلک بر برده‌ام : ۶۴۷
هر چه هستی، جان ما قربان تُست دست بردی، دست و بازویت درست : ۱۳۶۰
تنها یک بیت، از شش جمله‌ی ساده تشکیل شده است؛ مانند:
از کی بگریزیم؟ از خود؟ ای مُحال از کی پربلیم؟ از حق؟ ای وبال :
۹۷۰

۲-۲- جملات مرکب

مجموعه جمله‌هایی است که یکی از آن‌ها به منزله‌ی اصل و پایه است و دیگر جمله یا جمله‌های تابع و پیرو آن. از این رو جمله‌ی پایه در تشکیل کلام حائز مقام اول است و جمله پیرو بسته به آن است و از نظر معنی آن را تکمیل می‌کند.

طیب‌زاده هم در تعریف جمله‌ی مرکب این‌گونه گفته است، «جمله‌های مرکب از دو بند تشکیل می‌شوند، یکی بند پیرو قیدی و دیگری بند پایه. فعل مرکزی جمله در درون بند پایه قرار دارد، پس طبیعی است که همواره بند پیرو به عنوان افزوده‌ی عام، به کل بند پایه وابسته شود.» (طیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۱۲)

در جملات مرکب، جمله‌ها به وسیله‌ی حرف ربط به یکدیگر پیوند می‌خورند که این حروف خود به دودسته‌ی هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز تقسیم می‌شوند. حروف وابسته‌ساز، به جملات نقش پایه (هسته) و پیرو (وابسته) را می‌دهد، اما حروف ربط هم‌پایه‌ساز آن‌ها را هم‌پایه می‌کند.

با بررسی دفتر اول مثنوی معلوم گردید که کاربرد جمله‌ی مرکب به نسبت جمله‌ی ساده در کلام مولوی بسیار بیشتر بوده است و از مجموع ۱۳۷۲ بیت بررسی‌شده، حدود ۸۳۳ بیت از جمله مرکب ساخته شده است. همین موضوع نگارنده را بر آن داشت تا این جملات را با دقت و وسواس بیشتری بررسی کند.

در این تحقیق ابتدا جمله‌های مرکب از لحاظ چینش، نحوه‌ی قرار گرفتن جمله‌ی پایه و پیرو همچنین تعداد جملات پایه و پیرو به کاررفته در یک جمله‌ی مرکب مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ سپس به نقش نحوی جملات پیرو در جمله‌ی مرکب پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲- ایات دارای یک جمله‌ی پایه و یک جمله‌ی پیرو

بیت‌هایی که از یک جمله‌ی پایه و یک جمله‌ی پیرو تشکیل شده‌اند بیشترین آمار جملات مرکب را به خود اختصاص داده‌اند؛ حدود ۴۱۳ بیت به این روش ساخته شده است.

این الگو از دو روش ساخته شده است:

الف- حدود ۲۱۵ بیت به روش الگوی: پایه + پیرو، ساخته شده است؛ مانند:

سوی شاهنشاه بردندش به ناز تا یسوزد بر سرِ شمع طراز : ۱۹۶
نی حدیث راه پر خون می‌کند قصّه‌های عشق مجنون می‌کند :
۹۹۴

و یا یک مصراع جمله ساده است و مصراع دیگر از این الگو تبعیت می‌کند؛ مانند:

ابلهی صیاد آن سایه شود می‌دود چندانک بی‌مایه شود : ۴۱۸
گفت آن شیر، اندر این چه ساکن است اندر این قلعه ز آفات ایمن است : ۱۲۹۸
ب- حدود ۱۹۸ بیت به روش: پیرو + پایه، ساخته شده است؛ مانند:

چونک نور صحبدم سر بر زند کرکس زرین گردون پر زند :
۳۹۷
باد درویشی چو در باطن بُود بر سر آب جهان، ساکن بُود :
۹۸۸

و یا یکی از مصراع‌ها جمله‌ی ساده است و مصراع دیگر از این الگو ساخته شده است؛ مانند:

می نبخشایی تو بر آتش پرست آن که نپرستد تو را، او چون برست؟ :

۸۲۵

ور بگیری کیت جست و جو کند نقش با نقاش چون نیرو کند :

۶۰۸

۲-۲-۲- ابیاتی با مصراع‌های یک جمله‌ی پایه و یک جمله‌ی پیرو

این بیت‌ها در مجموع از چهار جمله تشکیل شده‌اند که در هر مصراع یک جمله‌ی پایه و یک جمله‌ی پیرو وجود دارد. در بررسی‌های به عمل آمده حدود ۷۵ بیت به این شیوه ساخته شده است، الگوهای به کاررفته برای ساخت این بیت‌ها بدین گونه است:

الف- پایه + پیرو / پایه + پیرو

مولوی حدود ۳۰ بیت را در اینجامعه‌ی آماری با استفاده از این الگو ساخته است.

خواست تا او سجده آرد پیش بُت بانگ زد آن طفل: ائی لم اُمت :

۷۸۵

ب- پیرو + پایه / پیرو + پایه

حدود ۲۰ بیت به این شیوه ساخته شده است؛ مانند:

کانک این بُت را سجود آرد برست ور نیارد در دل آتش نشست : ۷۷۱

پ- پایه + پیرو / پیرو + پایه

در ابیاتی که مورد بررسی قرار گرفت حدود ۱۶ بیت بر اساس این الگو ساخته شده است؛ مانند:

مکر آن باشد که زندان حُفره کرد آن که حُفره بست، آن مکرری است سرد : ۹۸۱

ت- پیرو + پایه / پایه + پیرو

این الگو نسبت به الگوهای دیگر کمتر مورد استفاده‌ی مولوی قرار گرفته است و تنها ۹ مورد در میان جامعه آماری مورد بررسی یافت شد.

چون به صورت بنگری چشم تو دوست تو به نورش درنگر کز چشم رُست: ۶۷۶

۳-۲-۲- ابیاتی که جمله‌ی پایه یا جمله‌ی پیرو آن‌ها، جمله‌ی هم‌پایه است.

در بررسی‌های انجام گرفته، حدود ۵۶ بیت یافت شد که جمله‌های پایه یا پیرو آن‌ها، از دو جمله‌ی هم‌پایه تشکیل شده است؛ مانند بیت زیر که جمله‌ی پیرو از دو جمله‌ی هم‌پایه ساخته شده است:

همنشین اهل معنی باش تا هم عطا یابی و هم باشی فتی: ۷۱۱
 و یا بیت زیر که مصراع اول، جمله‌ی پایه است که خود از دو جمله‌ی هم‌پایه ساخته شده است:
 شب بُد نور و ندیدی رنگ‌ها پس به ضد نور پیدا شد ترا : ۱۱۲۸

۴-۲-۲- ابیاتی با یک مصراع حرف ربط وابسته‌ساز و یک مصراع حرف ربط هم‌پایه‌ساز
 این ابیات به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که جمله‌ها در یکی از مصراع‌ها با حرف ربط وابسته‌ساز و در مصراع دیگر
 با حرف ربط هم‌پایه‌ساز به یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ مانند:

اندر آ مادر که اقبال آمده است اندر آ مادر، مده دولت زد دست :

۷۹۷

چنان‌که مشاهده گردید، مصراع اول، از الگوی، پایه + پیرو، ساخته شده است و مصراع دوم از دو جمله‌ی
 هم‌پایه که حرف ربط «و» از آن حذف شده است. یا در بیت زیر:

هر امیری کو گششد گردن، بگیر یا بگش، یا خود همی دارش اسیر :

۶۵۳

و یا در مصراع اول، جمله‌ها هم‌پایه و در مصراع دوم جمله‌ها وابسته هستند؛ مانند:

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد : ۹

۵-۲-۲- ابیاتی با یک جمله‌ی پایه و دو جمله‌ی پیرو

در بررسی‌های به‌عمل آمده، مشخص شد که مولوی حدود ۸۹ بار از این نوع ساخت جمله‌ی مرکب بهره گرفته
 است و در ساخت آن‌ها از الگوهای زیر استفاده کرده است.

الف- پایه + پیرو + پیرو

حدود ۴۸ بیت در جامعه آماری به این شیوه ساخته شده است؛ مانند:

گفت اینک اندر آن کارم شها کافکنم در دین عیسی فتنه‌ها :

۴۵۷

از این تعداد، ۳۴ جمله بر اساس این الگو ساخته شده است در این جملات اغلب، فعل جمله‌ی پایه‌ی
 «گفت» و نظایر آن است؛ همچنین از این ۳۴ جمله، در ۲۳ جمله‌ی مرکب، حرف ربط «که» محذوف است
 و فقط مولوی در ۱۱ جمله‌ای که فعل «گفت» دارد، حرف ربط «که» را آورده است؛ مانند:

گفت لیلی را خلیفه کآن توی

کز تو مجنون شد پریشان و عوی؟ :

۴۰۷

ب- پیرو + پایه + پیرو

در این نوع چینش مولوی با قرار دادن یک جمله‌ی پایه، میان دو جمله‌ی پیرو، به نوعی با سه جمله، دو جمله‌ی مرکب را ساخته است؛ طوری که جمله‌ی پایه، هم برای جمله‌ی پیرو اول و هم برای جمله‌ی پیرو دوم، پایه است و این نوع چینش انسجام جمله‌ها را بسیار قوی می‌کند.

از جامعه‌ی آماری موردبررسی، حدود ۲۳ بیت به این شیوه سروده شده است؛ مانند:

گر امینم، مُتَّهَم نبود امین

گر بگویم آسمان را من زمین :

۵۹۲

و یا مانند:

عشق‌هایی کز پی رنگی بود

عشق نبود، عاقبت ننگی بود :

۲۰۵

آب‌ها در حوض اگر زندانی است

باد، نَشْفِش می‌کند کارکانی است :

۸۷۹

پ- پیرو + پیرو + پایه

۱۸ بیت از ابیات موردبررسی، بر پایه‌ی این الگو ساخته شده است و هر دو جمله‌ی پیرو به وسیله‌ی حرف ربط وابسته‌ساز به جمله‌ی پایه متصل شده‌اند؛ مانند:

آنکه از حق یابد او حی و جواب

هر چه فرماید بود عین ثواب :

۲۲۵

و یا مانند:

آنکه جان بخشد، اگر بکشد رواست

نایب است و دستِ او دستِ خداست : ۲۲۶

زاغ، کو حکم قضا را منکر است

گر هزاران عقل دارد، کافر است : ۱۲۲۹

۳-۲- جملات مرکب پیچیده

این نوع از جملات مرکب به گونه‌ای درهم‌تنیده شده‌اند که با تأمل می‌توان جملات پایه و پیرو آن‌ها را از یکدیگر تشخیص داد...

«جمله‌ی مرکب ترکیبی جمله‌ایی است که بخش پیرو آن، خود، یک جمله‌ی مرکب باشد.» (نوبهار، ۱۳۸۹: ۲۹) معنا در این نوع از جمله‌ها به قدری درهم پیچیده شده است که حذف هیچ‌یک از جملات تشکیل دهنده از آن ممکن نیست.

در کتاب‌های دستور و زبان‌شناسی توجه کم‌تری به بررسی این نوع جمله‌ی مرکب شده است. با بررسی به عمل آمده معلوم گردید که مولوی در جامعه‌ی آماری مورد نظر حدود ۵۵ بیت را به این شیوه ساخته است که تقریباً تعداد قابل توجهی است؛ مانند:

در یکی گفته مکش این شمع را کین نظر چون شمع آمد، جمع را :

۴۷۵

در مصراع اول، جمله‌ی پایه‌ی «در یکی گفته» آمده است که بعد از آن جمله‌ی «مکش این شمع را» که یک جمله‌ی پیرو است، آمده، البته حرف ربط آن، «که»، محذوف است؛ بنابراین جمله‌ی دوم پیرو برای جمله‌ی اول که پایه است، است. همچنین در مصراع دوم هم یک جمله‌ی پیرو دیگر داریم که جمله‌ی پیرو مصراع اول، در نقش جمله‌ی پایه برای آن است، یعنی مولوی با محذوف کردن حرف ربط، در اصل می‌خواسته است که دو نقش، پایه و پیرو را به یک جمله هم‌زمان بدهد؛ این‌گونه چینش و انتخاب کلمه‌ها دال بر توانایی بی‌نظیر مولوی در ساخت جمله را نشان می‌دهد.

و یا مانند:

در یکی گفته بگش، باکی مدار تا عوض بینی نظر را صد هزار :

۴۷۷

در تعدادی از این جملات ترکیبی، مشاهده شد که در ظاهر سه جمله وجود دارد که یک جمله نقش پایه و دو جمله‌ی دیگر نشلنه‌ی پیرو را دارند، اما وقتی که به معنای آن دقت شود معلوم می‌گردد که یکی از جمله‌های پیرو به همراه جمله‌ی پایه، نقش جمله‌ی پایه را برای جمله پیرو دیگر دارد؛ مانند:

قعر چه بگزید هرکه عاقل است زان که در خلوت صفاهای دل است : ۱۲۹۹

در این بیت، مصراع اول یک جمله‌ی مرکب است که از یک جمله‌ی پایه و یک جمله‌ی پیرو ساخته شده است که این جمله مرکب، نقش یک جمله‌ی پایه را برای جمله‌ی پیرو مصراع دوم دارد.

و یا:

از کرم دان این که می‌ترساندت تا به مُلکِ ایمنی بنشاندت : ۱۲۶۱

در این بیت چنان‌که ملاحظه می‌شود بیت قبل جمله‌ی مرکبِ مصراع اول، نقش جمله‌ی پایه را برای جمله‌ی پیرو مصراع دوم دارد.

۴-۲- جملات هم‌پایه

جمله‌های هم‌پایه، جمله‌های مستقلی هستند که با پیوند هم‌پایه‌ساز به هم مربوط می‌شوند و هیچ‌یک، جزئی از جمله‌ی دیگر نیست.

فتوحی در تعریف «سبک هم‌پایه» می‌نویسد: «گاهی جمله‌های مستقل هم‌پایه‌اند و با او عطف به هم معطوف می‌شوند. وجود او عطف در ساختار هم‌پایه شتاب سخن را زیاد و سبک را پویا می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۷۷)

در بررسی‌های به‌عمل‌آمده در جامعه‌ی آماری موردنظر در حدود ۱۲۵ بیت با استفاده از جملات هم‌پایه ساخته شده است. همچنین مولوی از این جملات بیشتر در ابتدای داستان‌ها برای شتاب بیشتر داستان استفاده کرده است و یا هرگاه می‌خواهد بند و اندرزی بدهد، برای آن‌که سخن به درازا نکشد و مخاطب مشتاقانه‌تر سخن را گوش دهد از این الگو کمک گرفته است.

با توجه به تعداد جمله‌های هم‌پایه در یک بیت می‌توان آن‌ها را این‌گونه تقسیم‌بندی کرد.

الف- دو جمله‌ی هم‌پایه در یک بیت

در این ابیات که تعداد آن‌ها حدود ۳۲ بیت است، هر مصراع خود یک جمله است؛ مانند:

صد سبزو را بشکنند یک پاره‌سنگ و آب چشمه می‌رهاند بی‌درنگ :

۷۷۷

و یا:

بود عمر را نام اینجا بت‌پرست لیک مؤمن بود نامش در آست : ۱۲۴۱

ب- هر مصراع، یک جمله‌ی هم‌پایه

این الگو در ۱۸ بیت دیده می‌شود. هر مصراع، خود از دو جمله‌ی هم‌پایه ساخته شده است؛ بنابراین در یک بیت چهار جمله وجود دارد؛ مانند:

طفل ازو بستد در آتش درفکند زن بترسید و دل از ایمان بکند :

۷۸۴

در مصراع اول بین دو جمله حرف ربط «و» محذوف است ولی در مصراع دوم این حرف ربط آشکار است.

و یا مانند:

شاه بود و شاه بس آگاه بود خاص بود و خاصه‌ی الله بود : ۲۴۱

ب- یک مصراع جمله هم‌پایه و مصراع دیگر جمله‌ی ساده از ابیات موردبررسی حدود ۳۷ بیت به شیوه‌ی الگوی «هم‌پایه / ساده» و حدود ۳۱ بیت هم به شیوه‌ی الگوی «ساده / هم‌پایه» ساخته شده است، در مجموع ۶۸ بیت، از ابیات موردبررسی طبق این الگو ساخته شده است؛ مانند:

یک گهر بودیم همچو آفتاب بی‌گره بودیم و صافی همچو آب :

۶۸۷

مصراع اول، یک جمله‌ی ساده و مصراع دوم، دو جمله‌ی هم‌پایه را در خود جای داده است. یا:

بعدازآن برخاست و عزم شاه کرد شاه را زآن شمه‌ای آگاه کرد : ۱۸۲

پ- یک بیت از سه جمله‌ی هم‌پایه تشکیل شده باشد. این الگو نسبت به دو الگوی قبل کمتر مورد استفاده‌ی مولوی قرار گرفته است و فقط ۷ بیت در بررسی‌ها دیده شده است؛ مانند:

جادوی کردست کسی؟ یا سیمیاست؟ یا خلاف طبع تو از بخت ماست؟ : ۸۲۸

یا:

ای بدیده عکس بد بر روی عم بد نه عمست، آن توی، از خود مرم : ۱۳۲۷

در این بیت حرف ربط «و» در مصراع دوم محذوف است.

۵-۲- حذف حرف ربط

حرف ربط و حذف، دو عامل از عوامل انسجام متن در زبان‌شناسی نوین است.

«مهم‌ترین ساخت‌های دستوری در انسجام متن عبارت‌اند از ارجاع، حذف، پیوندهای واژگانی (مانند تکرار، ترادف، مراعات‌النظیر، تضاد) و تمهیدات پیوندی (مانند حروف ربط، شرط، علیت) جمله‌های متن با حضور

این عناصر با هم پیوند می‌خورند و پیوستار متنی استحکام می‌یابد.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۰)

حرف ربط در جملات مرکبی که در آن نقل‌قول وجود دارد، معمولاً حذف شده است که در ابیات موردبررسی از ۳۴ جمله، ۲۳ مورد به این‌گونه بوده است؛ مانند:

شه طبیبان جمع کرد از چپ و راست گفت جان هر دو در دست شماست: ۴۳

مولوی گاهی حرف ربط را به گونه‌ای حذف کرده است که خواننده را در ساخت جمله مشارکت می‌دهد، یعنی این خواننده یا شنونده است که جمله را هم‌پایه بداند یا وابسته تلقی می‌کند یا اینکه کدام جمله را پایه و کدام را به‌عنوان پیرو انتخاب کند؛ مانند:

وهم موسی با همه نور و هنر شد از آن محبوب، تویی پر مپر :

۲۳۷

در این بیت، با توجه به حذف حرف ربط می‌توان حرف ربط «پس» را بعد از جمله‌ی اول آورد که در این صورت جمله‌ی اول، پایه و جمله‌ی دوم، پیرو خواهد شد. هم حرف ربط «زیرا» یا «چون» را در ابتدای جمله‌ی اول آن قرار داد و جمله را به گونه‌ای دیگر خوانند در این صورت جمله‌ی اول، پیرو جمله‌ی دوم، نقش پایه رادارند. و یا مانند:

اسب همت سوی اختر تاختی آدم مسجود را نشناختی :

۵۴۰

این بیت هم به جهت حذف حرف ربط، می‌توان آن را یک جمله‌ی هم‌پایه در نظر گرفت و حرف ربط «اقا»، «ولی» و «و» را بین دو جمله قرار داد؛ و هم می‌توان آن را یک جمله‌ی وابسته در نظر گرفت و حرف ربط «درحالی‌که» را به آن افزود، البته مانند مثال پیش، در اینجا هم خواننده آزاد است که خود جمله‌های پایه و پیرو را انتخاب کند.

این شیوه جمله‌بندی می‌تواند برای خواننده و شنونده جذاب باشد و هم نشان‌دهنده‌ی تبحر بالای گوینده در انتخاب واژگان است و حاصل آن خلق یک متن منسجم است.

بعد از این بررسی‌ها و مشخص شدن بسامد الگویی مثنوی در جملات مرکب، نگارنده بر آن شد تا گونه‌های جملات پیرو را بر اساس تقسیم‌بندی نو بهار مورد بررسی قرار دهد تا مشخص شود که نقش جملات پیرو در کلام مولانا بیشتر به چه صورت بوده است.

مهرانگیز نو بهار در کتاب «دستور کاربردی زبان» جملات پیرو را بنا بر مفاهیم و نقش‌هایی که در ساخت جمله‌های پایه بر عهده می‌گیرند، به جمله‌های پیرو اسمی، پیرو صفتی و پیرو قیدی تقسیم می‌کند.

۳- انواع جمله‌های پیرو (جمله‌ی مرکب با یک جمله‌ی پیرو)

۳-۱- جمله‌های پیرو اسمی

جمله‌ی پیرو اسمی، جمله‌ای است که جایگاه یکی از نقش‌های اسم را در جمله‌ی مرکب اشغال می‌کند. جمله‌ی اسمی غالباً به کمک وابسته سازها به جمله‌ی اصلی می‌پیوندد. «جمله‌ی اسمی قابل تأویل به مصدر

است و بعد از تأویل به مصدر، همانند اسم، جایگاه نحوی یکی از عناصر جمله‌ی پایه را اشغال می‌کند.» (نوبهار، ۱۳۸۹: ۳۳)

با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده نقش جمله‌های پیرو در جملات مرکب یک پیروی، به شرح زیر است:
الف- مفعول

در ابیات موردبررسی حدود ۱۰۶ جمله، از جمله‌های پیرو، نسبت به جمله‌های پایه نقش نحوی مفعول را داشته است، همچنین با توجه به نمونه‌های یاد شده مشخص شد که نقش مفعولی برای جملات پیرو بیشتر در الگوی «پایه + پیرو» به‌کاررفته است و از این تعداد حدود ۸۵ مورد در نقل قول‌ها است؛ مانند:

قوم گفتندش که چندین گاه ما جان فدا کردیم در عهد وفا :

۹۹۸

در تأویل به مفعول این‌گونه است که:

قوم جان فدا کردن در عهد وفا را به او گفتند.

و یا:

هر که بیرون بود ز آن خط، جمله را پاره‌پاره می‌گسست اندر هوا :

۸۵۵

این بیت هم در تأویل به مفعول این‌گونه است که:

هر بیرون بوده از آن خط را پاره‌پاره اندر هوا می‌گسست.

و مثالی دیگر:

هر امیری کو گشاد گردن بگیر یا بُکش یا خود همی دارش اسیر :

۶۵۳

که می‌تواند این‌گونه باشد که هر امیر گردن کشنده را بگیر.

ب- متمم

حدود ۳۵ جمله، از جملات مرکبی که دارای یک پیرو هستند، جمله‌ی پیرو، نقش متمم را برای جمله‌ی پایه دارد؛ مانند:

صد هزاران مؤمن مظلوم کُشت که پناهم دین موسی را و پشت :

۳۳۷

که در تأویل به متمم این‌گونه است.

صد هزاران مؤمن مظلوم را برای پناه و پشت بودن دین موسی کُشت.

و یا مانند:

اندر آمد شادمان در راه مرد بی‌خبر کان شاه قصدِ جانِش کرد : ۱۹۱
به این‌گونه است.

مرد بی‌خبر از قصد جان کردن شاه، شادمان اندر آمد.

پ- نهاد

حدود ۷۵ جمله، از جمله‌های موردبررسی، جمله‌ی پایه‌ی آن‌ها نقش نهاد را جمله‌ی پایه دارد؛ که بیشتر از الگوی «پیرو + پایه» در ساخت آن استفاده شده است؛ مانند:

هر لقب کو داد، آن مُبَدَل نشد آنکه چستش خواند او، کاهل نشد : ۱۲۳۶
می‌توان این جمله را این‌گونه تأویل کرد.

آن لقب داده شده به‌وسیله‌ی او مُبَدَل نشد؛ و آن چست خوانده شده به‌وسیله‌ی او کاهل نشد.

و یا نمونه‌ای دیگر:

آنکه بودست آئمه‌ الٰهائیه هاویه آمد مر او را زاویه :

۸۷۷

آن آئمه‌ الٰهائیه بودن را او زاویه آمد.

ت- مضاف‌الیه

کاربرد جمله‌ی پیرو در نقش مضاف‌الیه، نسبت به گروه‌های اسمی ذکر شده، کمتر است و تنها حدود ۱۴ جمله مشاهده گردید که این‌گونه باشد؛ مانند:

ای خُنک چشمی که آن گریان اوست وی همایون دل که آن بریان اوست : ۸۱۸
این جمله، این‌گونه تأویل می‌شود که:

ای خُنک چشم گریان او، وی همایون دل بریان او.

و یا:

ترجمانی هر چه ما را در دل است دست‌گیری هر که پایش در گل است : ۹۸

به این صورت است که:

ترجمان هر چه در دل بودن ما است و دست‌گیر هر پای در گل بودن است.

ث- وصفی

این نقش به نسبت گروه‌های دیگر بسیار کمتر مورد استفاده‌ی مولوی قرار گرفته است و تنها ۷ مورد یافت شد؛ مانند:

برجهد و آن خار محکمتر زند
عاقلی باید که خاری برکنند : ۱۵۵
در تأویل به صفت این‌گونه است:
عاقل خار برکننده باید.
و یا:

دانه چون اندر زمین پنهان شود
سر او سر سبزی بوستان شود : ۱۷۷
سر دانه‌ی پنهان‌شده در زمین سر سبزی بوستان می‌شود.

۶-۲- جمله‌های پیرو قیدی

جمله‌ی پیرو قیدی، جمله‌ای است که به کمک پیوندهای قیدی به جمله‌واره‌ی پایه وابسته می‌شود و فعل جمله‌ی پایه را به زمان، مکان، علت، شرط، منظور و برخی ویژگی‌های قیدی دیگر مقید می‌سازد.
الف- قید علت

جمله‌های وابسته‌ی قیدی علت نیز به کمک وابسته‌سازهای ویژه خود ساخته می‌شوند.
بر این اساس در جامعه‌ی آماری مورد بررسی، حدود ۱۴۳ جمله‌ی پیرو به کمک وابسته‌سازهای قیدی ساخته شده‌اند؛ مانند:

چون‌که تو نظر به نارالله بُدی
در بدی از نیکویی غافل شدی : ۱۳۴۲
این بیت این‌گونه تأویل می‌شود:
به دلیل بنظر به نارالله بودن در بدی از نیکویی غافل شدی.
یا:

چون معلّم بود عقلش زابتدا
بعد از این، شد عقل شاگردی ورا : ۱۰۶۵
به دلیل معلّم بودن عقلش، عقل شاگرد وی شد.
ب- قید شرط

جمله‌های وابسته‌ی قید شرطی با پیوندهایی که مفهوم «اگر» داشته باشند، همراهی می‌کنند.
حدود ۱۴۰ جمله از جمله‌های بررسی‌شده در این نقش به‌کاررفته‌اند؛ مانند:

گر مگس، تأویل بگذارد به رای
آن مگس را بخت گرداند هُمای : ۱۰۸۹

در این مثال حرف ربط «گر» نشانه‌ی بارز این نوع قید است. گاهی پیوندهای دیگری همانند، «چون»، «تا» و ... میان جمله‌ها قرار می‌گیرد که همان مفهوم شرط را دارد؛ مانند:

چون بخواهد عین غم شادی شود عین بند پای آزادی شود :
۸۳۷

در اینجا حرف ربط «چون» معنای شرط را دارد.

گاهی برای انسجام بیشتر متن حرف ربط حذف می‌شود اما در معنای سخن، حرف ربط شرط ظاهر می‌گردد؛ مانند:

اشک خواهی رحم کن بر اشک‌بار رحم خواهی بر ضعیفان رحم آر :
۸۲۲

پ قید منظور

جمله‌های قیدی منظور نیز با پیوندهایی که غالباً مفهوم عباراتی مانند «به‌منظور اینکه»، «به خاطر این که» و ... همراهی می‌کنند.

در بررسی‌های انجام‌شده، حدود ۱۳۶ جمله دارای این نقش می‌باشند؛ مانند:

چند خورشید کرم افروخته تا که ابر و بحر، جود آموخته :
۵۰۷

می‌توان بیت را این‌گونه تأویل کرد:

چند خورشید کرم به‌منظور جود آموختن به ابر و بحر افروخته شده است.

و یا:

می‌گشود استارگان را یک‌به‌یک تا که نفروزد چراغی از فلک :
۳۸۶

به‌منظور نیفروختن چراغ از فلک استارگان را یک‌به‌یک می‌گشود.

ت- قید زمان

حدود ۶۶ جمله در نقش قید زمان به رفته است؛ مانند:

چون گذشت آن مجلس و خوان کرم دست او بگرفت و برد اندر حرم : ۱۰۱
این جمله این‌گونه تأویل مشود:

بعد از گذشتن (بعد از سپری شدن) مجلس و خوان کرم، او را در حرم برد.

و یا:

چون یکی بشکست، هر دو شد ز چشم مرد احوال گردد از میلان و خشم :
۳۳۰

هنگام شکستن یکی، هر دو از چشم شد.

ث - قید تضاد

جمله‌های وابسته‌ی قیدی تضاد نیز همانند دیگر جمله‌های وابسته‌ی قیدی با حروف ربط ویژه‌ی خود همراه می‌باشند.

کاربرد این نوع قید بسیار کم است و در ابیات مورد بررسی فقط ۱۱ مورد یافت شده است؛ مانند:

پای داری چون کنی خود را تو لنگ؟ دست داری چون کنی پنهان تو چنگ؟ : ۹۳۱
این‌گونه تأویل می‌شود که:

با وجود داشتن پا چگونه خود را لنگ می‌کنی؟

با وجود داشتن دست، چگونه چنگت را پنهان می‌کنی؟

و یا:

گرچه تفسیر زبان روشن‌گر است لیک عشق بی‌زبان روشن‌تر است : ۱۱۳
این‌گونه است:

عشق بی‌زبان از روشن‌گر بودن تفسیر زبان روشن‌تر است.

۴- گونه‌ی جملات پیرو در جملات مرکب چند پیروی

با توجه به قرار گرفتن دو جمله‌ی پیرو در یک جمله‌ی مرکب، مشاهده می‌شود که نقش جملات پیرو با یکدیگر متفاوت است؛ بنابراین می‌توان آن‌ها را به سه گروه تقسیم کرد.

الف- دو جمله‌ی پیرو، هر دو نقش گروه اسمی را داشته باشد. حدود ۲۰ مورد از جمله‌های مرکب دو پیروی، این‌گونه بوده است؛ مانند:

گر خدا خواهد نگفتند از بَطَر پس خدا بنمودشان عجز بشر : ۴۸

در این جمله، جمله‌ی پیرو «گر خدا خواهد»، نقش مفعول را برای جمله‌ی پایه‌ی «نگفتند از بَطَر» را دارد؛ و جمله‌ی پیرو دوم «پس خدا بنمودشان عجز بشر»، نقشی متمم را دارد.

یا:

بازگو تا چون سگ‌الیدی به مکر؟ آن عوان را چون بمالیدی به مکر؟ : ۱۳۶۲

در این بیت، جمله‌ی «بازگو»، پایه و جمله‌ی، «تا چون سگالیدی به مکر»، جمله‌ی پیروِ اول، در نقشِ مفعول و جمله‌ی «آن عوان را چون بمالیدی به مکر»، جمله‌ی پیروِ دوّم، در نقشِ مفعول است.

ب - هر دو جمله‌ی پیرو نقشِ گروه قیدی را داشته باشند. حدود ۲۱ مورد از جملات موردبررسی در این نقش بوده‌اند؛ مانند:

باش تا حس‌های تو مبدل شود تا ببینیشان و مشکل حل شود : ۱۰۳۹

در این بیت، جمله‌ی «باش»، پایه و دو جمله‌ی دیگر، هر دو جمله‌ی پیرو هستند و نقش هر دو جمله، «قید منظور» است.

و یا:

دشمن ار چه دوستانه گویدت دام دان، گر چه ز دانه گویدت : ۱۱۹۲

در این جمله، جمله‌ی «دام دان»، پایه و دو جمله‌ی دیگر، پیرو می‌باشند و نقش هر دو جمله هم «قید منظور» است.

پ - یکی از جملات پیرو، نقش گروه اسمی و دیگری نقش قید را داشته باشد. حدود ۵۲ جمله از جامعه‌ی آماری موردبررسی، به این شکل بوده است؛ مانند:

چون خدا خواهد که پرده‌ی کس درد میلش اندر طعنه‌ی پاکان بَرَد : ۸۱۵

در این بیت، جمله‌ی اول، پیرو نقش قید را دارد، جمله‌ی دوّم، پیرو نقش مفعول را دارد و جمله‌ی سوّم، پایه است.

یا:

عشق‌هایی کز پی رنگی بود عشق نبود، عاقبت ننگی بود :

۲۰۵

در این جمله‌ی مرکب، بیتِ اول، پیرو نقش نهاد را دارد و در بیتِ دوّم، جمله‌ی اول، پایه و جمله‌ی دوّم، پیرو که نقش قید را دارد، البته در جمله‌ی پیرو دوّم حرف ربط محذوف است.

۳. نتیجه‌گیری

از بررسی ابیات مثنوی نتایج قابل توجهی به دست آمد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

- مولوی در ابیات خود بیشتر از جملات مرکب استفاده کرده است و تعداد جملات مرکب نسبت به جملات ساده بیشتر است.

- جمله‌های مرکب به کاررفته در مثنوی، بیشتر به وسیله‌ی حرف ربط وابسته‌ساز به یکدیگر وصل شده‌اند و حرف ربط هم‌پایه‌ساز کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

- بسامد جملات مرکب با یک‌پایه و یک پیرو نسبت به سایر الگوها بیشتر است.

- با تأمل در نقش جمله‌های پیرو معلوم شد که مولوی ارکان غیر اصلی همانند قیدها را بیشتر به شکل جمله‌ی پیرو به کار می‌برد و تعداد جمله‌های پیرویی که نقش اصلی را دارند به نسبت جمله‌های پیرویی که نقش قیدی را دارند کم‌تر است.

- قرار گرفتن یک جمله‌ی پیرو در سر راه دو جمله‌ی پایه که هرکدام از جمله‌های پایه به همراه جمله‌ی پیرو، یک معنی کامل را می‌دهد، امکان برداشت‌های گوناگونی را برای متن فراهم می‌کند و مخاطب را در اخذ معنا آزاد می‌گذارد.

- در اکثر جمله‌های مرکبی که از الگوی «پیرو + پایه» برای آن ساخته شده است، جمله‌ی پیرو نقش قید را دارد.

- در بیت‌های که از دو جمله‌ی مرکب استفاده کرده است، یعنی در هر مصراع یک جمله‌ی مرکب وجود دارد، مشخص شد که برای ساخت این الگو، بیشتر از الگوی «پایه + پیرو» در هر دو جمله بیشتر استفاده شده است.

- در مورد حذف حرف ربط، مولوی بیشتر در نقل قول‌ها حرف ربط را حذف کرده است؛ همچنین گاهی دلیل حذف شرکت دادن خواننده در انتخاب جمله است که کدام را پایه و کدام را پیرو قرار دهد، یا اینکه خواننده یا شنونده حرف ربط وابسته‌ساز یا هم‌پایه‌ساز را خود انتخاب کند در این صورت در انتخاب رابطه‌ی بین جمله‌ها از نوع وابستگی یا هم‌پایگی دخالت داشته باشد.

منابع:

- انوری، حسن و گیوی، حسن (۱۳۹۲). دستور زبان فارسی ۲، ویرایش چهارم، چ ۳، تهران: فاطمی.
 طیب‌زاده، امید (۱۳۹۱). دستور زبان فارسی، چ ۱، تهران: مرکز.
 فتوحی، محمود (۱۳۹۰). سبک‌شناسی، چ ۲، تهران: علمی.
 فرشید ورد، خسرو (۱۳۸۴). دستور مفصل امروز، چ ۲، تهران: سخن.
 گلفام، ارسلان (۱۳۸۶). اصول دستور زبان، چ ۲، تهران، نشر ذره.
 مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۹). مثنوی معنوی، چ ۴، تهران: دوستان.
 وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۳). دستور زبان فارسی (۱)، چ ۶، تهران: سمت.
 ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی، چ ۱۹، تهران: توس.

نوبهار، مهرانگیز (۱۳۸۹). دستور کاربردی زبان فارسی، ویراست دوم، تهران: رهنما.

Bib. Bibliography

Anvari, Hassan & Givii, Hassan (۲۰۱۳). *dastor zaban farsi*, fourth edition, p۳, Tehran: Fatemi.

Tabibzade, Omid (۲۰۱۲). *dastor zaban farsi*, p۱, Tehran: Markaz.

Fotohi, Mahmood (۲۰۱۳). *Sabk shenasi*, p۲, Tehran: Elmi.

Farshidord, Khosro (۲۰۰۵). *dastor mofssal emroz*, p۲, Tehran: Sokhan.

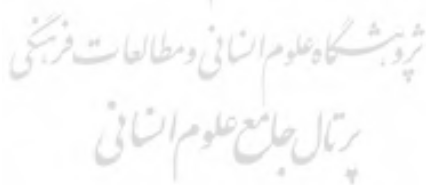
Golfam, Arsalan (۲۰۰۶). *Osol dastore zaban*, p۲, Tehran: Zare.

Molana, Jalaluddin Balkhi (۲۰۰۰). *masnavi manavi*, p۴, Tehran: Dustan.

Vahidian Kamyar, Taghi & Omrani, Qolamreza (۲۰۰۴). *dastor zaban farsi* (۱), p۶, Tehran: Samt.

Nateel Khanlari, Parviz (۲۰۰۳). *dastor zabane farsi*, p۱۹, Tehran: Toos.

Nobahar, Mehrangiz (۲۰۱۰). *dastor karbordie zabane farsi*, second edition, Tehran: Rahnam.



The function of simple and compound sentences in the spiritual masnavi **Asmat Khoyini Qazaljah**

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Kharazmi University

Zahra Amani

Ph.D. student of Persian language and literature of Khwarazmi University

A large part of the delight of Rumi's words is related to the way he expresses his words. Rumi scholars have spoken about appeal of Rumi's words; but many of charming secrets of this language remain hidden; there is no way to discover these beauties except a detailed analysis of his language. Therefore, authors decided to investigate one of the factors of text coherence by examining the frequency and syntactic function and simple and compound sentences in Masnavi.

This research has been conducted based on the ۱۳۷۲ verses of the first book of Masnavi and its method is statistical, structural analysis and sentence classification method. From this study, remarkable results are obtained about close relationship between content of text and its sentence structure; According to the investigations, frequency of use of compound sentences is higher than simple sentences, and among the types of compound sentences, sentences made from the "base + follower" pattern have a higher frequency; This style of Masnavi wording has caused coherence of text and has provided a suitable platform for educational content of Masnavi. In addition, in this study, we found that Rumi actively participates the reader in receiving the meaning of compound sentences. He allows the reader to choose appropriate conjunction based on the choice of each of two sentences as base or follower, or in complex compound sentences, a sentence has both base and follower roles at same time, which means that according to the sentence before and after it, its role is different.

Keywords: Molavi, Masnavi, sentence, compound sentence, base, follower